

آفتاب معنوی

چهل داستان از مثنوی

جلال‌الدین محمد مولوی

شرح لغات، اصطلاحات عرفانی، تفسیر ابیات و نقد و بررسی داستان‌ها

نادر وزین‌پور



مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران، ۱۳۸۷

فهرست مندرجات

صفحه	عنوان	دफتر	چاپ نیکلسون	چاپ بروخیم
۱۱	پیشگفتار			
۱۵	جلوه‌هایی از افکار جاودانه مولوی			
۲۴	زندگانی، احوال، افکار و آثار			
۳۸	جلال‌الدین محمد مولوی			
۵۴	شیوه‌های داستان‌سرایی مولوی			
۹۲	گفتاری درباره تصوف			
	روش گزینش داستانها			
	۱. حکایت عاشق شدن پادشاهی بر کنیزکی و خریدن کنیزک را	۹۶	۵	۴
	۲. حکایت مرد بقال و طوطی و روغن ریختن طوطی در دکان	۱۲۱	۱۷	۱۵
	۳. حکایت استاد و شاگرد احوال	۱۲۸	۲۱	۱۸
	۴. قصه دیدن خلیفه، لیلی را	۱۳۱	۲۶	۲۲
	۵. قصه بازرگان که طوطی او را پیغام داد به طوطیان هندوستان، هنگام رفتن به تجارت	۱۳۸	۹۵	۸۰
	۶. داستان پیرچنگی که در عهد عمر رضی‌الله‌عنه از بهر خدا در گورستان چنگ می‌زد	۱۷۶	۱۱۶	۹۷
	۷. قصه اعرابی درویش و ماجرای زن او با او به سبب قلت و درویشی	۱۹۵	۱۳۸	۱۱۵
	۸. حکایت ماجرای نحوی و کشتییان	۲۲۶	۱۷۵	۱۴۵
	۹. کبودی زدن قزوینی بر شاه‌گاه، صورت شیر و بشیمان شدن او به سبب زخم سوزن	۲۲۹	۱۸۳	۱۵۲

عنوان	صفحه	دفتر	چاپ نیکلسون	چاپ بروخیم
۱۰. رفتن گرگ و روباه در خدمت شیر بهشکار	۲۳۷		۱۸۵	۱۵۳
۱۱. قصه آن کس که در یاری بکوفت	۲۴۹		۱۸۸	۱۵۶
۱۲. قصه مری کردن رومیان و چینیان در علم نقاشی و صورتگری	۲۵۵		۲۱۳	۱۷۶
۱۳. فروختن صوفیان بهیمة مسافرا جهت سفره و سماع	۲۶۳	دوم	۲۷۵	۲۲۶
۱۴. کلوخ انداختن تشنه از سر دیوار در جوی آب	۲۷۴		۳۱۱	۲۵۶
۱۵. حکایت جدا کردن باغبان، صوفی، علوی و فقیه را از همدیگر	۲۸۱		۳۶۶	۳۰۱
۱۶. گفتن شیخی، ابایزید را که، کعبه منم، گرد من طواف کن	۲۸۹		۳۶۹	۳۰۳
۱۷. شکایت قاضی از آفت قضا و جواب گفتن نایب قاضی او را	۲۹۵		۳۹۹	۳۲۸
۱۸. قصه اعرابی وریک در جوال کردن و ملامت کردن آن فیلسوف او را	۲۹۹		۴۲۵	۳۵۰
۱۹. حکایت منازعت چهار کس جهت انکور که هریکی به نام دیگر فهم کرده بود آن را	۳۰۷		۴۵۴	۳۷۴
۲۰. افتادن شغال درخم رنگ و رنگین شدن، ودعوی طاووسی کردن در میان شغالان	۳۱۱	سوم	۴۱	۴۱۵
۲۱. اختلاف کردن در چگونگی د شکل پیل	۳۱۶		۷۲	۴۴۲
۲۲. قصه گریختن عسی فراز کوه از احمقان	۳۲۳		۱۴۶	۵۰۸
۲۳. قصه عشق صوفی بر سفره تهی	۳۳۱		۱۷۱	۵۳۰
۲۴. قصه وکیل صدر جهان که متهم شد و از بخارا گریخت از بیم جان، باز عشقش کشید رویشان، که کار جان سهل باشد عاشقان را	۳۳۵		۲۱۰	۵۶۴
۲۵. سبب هجرت ابراهیم و ترک ملک خراسان	۳۶۴		۳۲۱	۶۵۸
۲۶. قصه صوفی که در میان گلستان سر بر زانوی مراقبت نهاده بود	۳۷۱	چهارم	۳۵۸	۶۸۹

عنوان	صفحه	دفتر	چاپ نیکلسون	چاپ بروخیم
۲۷. قصه آن مرغ گرفتار که وصیت کرد، بر گذشته پشیمانی مخور	۳۷۶		۴۱۰	۷۳۴
۲۸. قصه آن زن که طفل او بر سر ندادن غیرید و خطرافتن بود و از علی کرم الله وجهه چاره جست	۳۸۱		۴۳۵	۷۵۵
۲۹. داستان موری که بر کاغذی می رفت. نیشن قلم را دید، قلم را ستودن گرفت	۳۸۶		۴۹۹	۸۰۹
۳۰. قصه آن حکیم که دید طاووسی پر زیبای خود می کند	۳۹۳	پنجم	۳۶	۸۴۶
۳۱. داستان آن عاشقی که با معشوق خدمتها و وفاهای خود را می شمرد	۳۹۹		۷۹	۸۸۳
۳۲. اتحاد عاشق و معشوق	۴۰۳		۱۲۷	۹۲۶
۳۳. حکایت آن شخص که به وقت خر گرفتن برای امیر ولایت، خوبستن راه راسان در خانه ای انداخت	۴۰۶		۱۶۳	۹۵۹
۳۴. حکایت آن راهب که روز با چراغ میان بازار در طلب آدمی می گشت	۴۱۱		۱۸۵	۹۸۰
۳۵. حکایت در جواب جبری و اثبات اختیار و بیان آن که عند جبری در هیچ ملتی و دینی مقبول نیست	۴۱۶		۱۹۷	۹۹۰
۳۶. حکایت آن درویش که در هری غلامان آراسته عمید خراسان را دید	۴۱۹		۲۰۲	۹۹۵
۳۷. حکایت کافری که گفتندش در عهد ابایزید، مسلمان شو، و جواب گفتن او	۴۲۶		۲۱۳	۱۰۰۵
۳۸. داستان مات کردن دلقک، شاه ترمدره	۴۲۹		۲۲۲	۱۰۱۳
۳۹. حکایت آن عاشق که شب بیامد بر امید و عده معشوق و خوابش برد	۴۳۲	ششم	۳۰۶	۱۰۸۴
۴۰. حکایت آن مطرب که در بزم امیر ترك مست این غزل آغاز کرد	۴۳۹		۳۱۳	۱۰۹۰
فهرست اعلام	۴۴۵			
منابع و مأخذ	۴۵۳			

بی نام تو نامه کی کنم باز

در آسمان بیکران ادب فارسی سخن آفرینان بسیار
می درخشند، اما در این میان مولوی بلخی و مثنوی
جاودانه اش را فروغی دیگر است، فروغی که بسان
چشمه خورشید به ادبیات کهنسال ما حیات ابدی
می بخشد و در جان مشتاقانش پرتو کمال می آفریند.

جلال الدین محمد مولوی را تنها با مشعل افکار
خود وی می توان یافت و شناخت. در دریای اندیشه های
این عارف بزرگ گوهرهای بس تابناک نهفته و در
شراب مصفای سخنش جادوی عشق ازلی درآمیخته
است.

مثنوی معنوی یا عالیترین جلوه تصوف ایران، بیگمان،
در شمار کتبی بی عدیل، پیوسته الهام بخش سالکان
طریق حق و پویندگان وادی فضیلت خواهد بود. این
کتاب ترجمه آیات قرآنی و احادیث نبوی و مشحون از
نکات نغز و دلنشین عرفانی، فلسفی، ادبی و تربیتی
است و در این پژوهش به همراه چهل داستان دل انگیز،
با بسی از اندیشه های جاودانه مولوی آشنا می شویم.

پیشگفتار

از بسیار کسان شنیده شده که با وجود شوق وافر به آشنایی با مثنوی معنوی، از آنرو که مطالعه و درک مفاهیم این اثر گرانقدر را دشوار یافته‌اند، از هر کوششی برای خواندن و بهره‌گرفتن از آن باز- ایستاده‌اند. اینان، از پیر و جوان، که مراحل از تحصیلات را هم پشت‌سر نهاده‌اند، پیوسته آرزوی آن دارند که بتوانند مثنوی را بدرستی بخوانند و معانی عمیق آن را به آسانی دریابند، اما آیا اینان برآنند که همه این کتاب بزرگ را فراگیرند و به تمام رموز و دقایق علمی، ادبی، فلسفی، دینی و عرفانی آن آگاهی کامل یابند؟ نه، بلکه می‌خواهند با کتاب مثنوی شریف آشنا شوند و در خور وقت، دانش و نیاز خویش، گلچینی از آن را در پیش‌رو داشته باشند. بدین- سبب اهتمام برای برآوردن این مقصود، هنگامی سودمند خواهد افتاد که هرگونه اقدامی بر پایه این دو اصل استوار باشد: مجموعه‌ای مناسب از اشعار مثنوی، همراه با شرح مشکلات آن.

گزینش تعدادی ابیات، متناسب با این هدف، از میان حدود ۲۷،۰۰۰ بیت از کتاب مثنوی کار دشواری نیست. می‌توان اشعاری برگزید که حاوی مطالب ادبی، عرفانی، دینی یا مجموع همه اینها باشد، اما سخن اینجاست که این ابیات پراکنده، خاصه اگر مشکل باشد، موجب ملال خاطر خواننده خواهد شد، زیرا تجربه نشان داده

است که آنچه مطالعه اینگونه موضوعها را مطلوب می‌سازد، توالی مطالب است، مطالبی که حکم قصه و سرگذشت را دارند، آن هم همچون حکایت‌های زیبا و دلنشین مثنوی که اغلب مبتنی بر همه جنبه‌ها و مشتمل بر همه مضامین یاد شده‌اند.

آدمیان، از روزگاران کهن، به‌شنیدن و خواندن قصه‌ها و افسانه‌ها رغبت و دل‌بستگی بسیار داشته‌اند و به‌همین سبب است که در ادبیات بیشتر ملل جهان، این همه داستان پدید آمده و کمتر جامعه متمدنی می‌توان یافت که دارای داستانهای متعدد اجتماعی، پهلوانی، مذهبی، عشقی، حماسی و غیر اینها نباشد.

سبب این توجه شدید به‌خواندن قصص و افسانه‌ها، بطوری که تحقیق شده علاقه‌ای است که انسان نسبت به‌سرنوشت قهرمانان داستانها دارد و این دل‌بستگی بدان سبب است که آدمی می‌خواهد دریابد که آیا بنحوی می‌تواند وجه تشابهی در داستانها با احوال خود بازابد؟ آیا ممکن است که گوشه‌ای از وقایع قصص، بطور اتفاق، با زندگی خود او یکسان باشد؟! زیرا انسان در همه‌جا و در همه‌چیز، تنها، خود را جست‌وجو می‌کند و می‌خواهد برای خود چیزی بیابد. به‌همین سبب آنگاه که در داستانی، سرنوشت قهرمانی را برابر حال و روز خویش می‌یابد، تحت تأثیر آن قرار می‌گیرد و در پی آن شادی یا غمی بزرگ احساس می‌کند، خاصه که زندگی، خود، یک داستان واقعی است!

در دوران زندگی ما که عصر ماشین و صنعت نام گرفته، نه‌تنها بازار قصه‌پردازی رونق دیرین را از دست نداده، بلکه از آن سبب که بشر در میان غوغای ویرانگر ماشین‌ساز، نیاز فزونی‌تری به‌سرگرمی و آسایش روح و روان خویش احساس می‌کند، بازار داستان‌نویسی گرم‌تر شده است. نگاهی به‌آمار داستانهای منتشر شده در کشورهای

بزرگ صنعتی، نشان می‌دهد که دنیای صنعتی و مادی نتوانسته است توجه به امور معنوی، از جمله ذوق قصه‌خوانی را نابود سازد و ادبیات و هنر را از سیر طبیعی خود باز دارد.

با پیچیده‌تر شدن زندگانی انسان، که روزه روز دشوارتر و غم-انگیزتر می‌شود، و مسائل و گرفتاریهای فراوانی در روابط اجتماعی مردم به حاصل می‌آید، برای نویسندگان کنجکاو و آشنا به اصول و رموز حیات بشری، موضوعهای بیشمار پدید می‌آید، زیرا جامعه سرچشمه‌ای لایزال برای یافتن و نوشتن و تجزیه و تحلیل کردن روح آدمیان است. از طرف دیگر اگر داستانها بمنظور راهنمایی انسانها و سوق دادن آنها بسوی خیر و سعادت و کمال تصنیف شده باشند، خود از مؤثرترین وسایل آموزشی و پرورشی بشمار می‌روند.

بی‌جهت نیست که بخش مهمی از متن کتب آسمانی، از جمله قرآن کریم را قصص متعدد تشکیل می‌دهد، زیرا تعلیم و تربیت از راه بیان قصه و ملاحظه احوال و سرگذشت عبرت‌آموز دیگران آسانتر و مؤثرتر انجام می‌پذیرد تا اینکه آدمی را بطور مستقیم مورد خطاب و اندرز قرار دهند یا درباره او ستایش یا نکوهش روا دارند، و این نکته در دانش روانشناسی نیز از دیرباز بررسی و اثبات شده و یکی از سودمندترین طرق آموزش و پرورش بشمار آمده است.

این بیت زیبا از شاعر نامی سعدی، مبین همین اصل است:

نرود مرغ سوی دانه فراز / گر دگر مرغ بیند اندر دام

(گلستان - باب هشتم)

در قرآن مجید درباره مقام والای داستان از باب تأثیری که در ارشاد مردم دارد، چنین آمده است: لقد کان فی قصصهم عبرة لاولی - الالباب. همانا در قصه‌گویی ایشان خردمندان را اندرز(ها)ست. (سوره یوسف، آیه ۱۱۱) و نورالدین عبدالرحمان جامی (۸۹۸-۸۱۷)

سخن‌سرای سده نهم هجری، با توجه به تعالیم قرآن کریم از طریق بیان حکایات، و اشارتی که در این کتاب دینی نسبت به تأثیر تربیتی داستانها صورت گرفته است، چنین گفته:

هست اندر صورت هر قصه‌یی خرده‌بینان را ز معنی حصه‌یی

(مثنوی هفت‌اوردنگ)

با توجه به این نکات بود که گزینش داستانهای شیرین و دلپذیر بر ابیات و اشعار پراکنده، دور از ذهن و گاه دشوار، برتر شمرده شد و گردآوری قصص از شش دفتر مثنوی آغاز گردید.

در انتخاب داستانها نیز شرایطی در نظر گرفته شد: تا آنجا که ممکن شود، حکایات کوتاه، حاوی اشعار ساده و روان با مضامین عالی برگزیده شود که درک معانی آنها بسهولت انجام پذیرد و در خواننده اثرهای مطلوب و شایسته برجای نهد.

ذکر این نکته بی‌مناسبت نیست که این مجموعه بمنظور راهنمایی دوستداران مثنوی بویژه آنان که تحصیلاتی در غیر زمینه‌های ادبی دارند فراهم آمده تا شیفتگان آشنایی با این اثر بزرگ عرفانی و شاهکار جاویدان ادبی، با مطالعه آن بر سرشوق آیند و برای بهره‌مندی بیشتری از آن کتاب، رغبت فزونتری یابند.

در پایان، امیدوار است که ارباب دانش و فضل در صورت ملاحظه نقائص، از راه لطف، مؤلف را آگاه سازند تا نسبت به تهذیب مطالب و رفع نقائص اقدام گردد.